

پورنوگرافی غیر عادی؛ آخرین نشانه آخرالزمانی فرهنگ آمریکایی

کریس هجز^۱



اشاره:

اگر منابع و امتیازات درونی و ذاتی خود را به کار گیریم، اگر بفهمیم که ما واقعاً استثنائیم، به هر چه که آرزوی ما را داریم خواهیم رسید. تفکر بچه‌گانه‌ای که ما همیشه داریم، که فکر می‌کنیم که واقعیت سد راه خواسته‌های ما نیست، بن مایه اصلی توهمات است که از «تاک شوها»، از «کریستین رایت»، از هالیوود، از صنعت اخبار و نگاه‌های خبری یا از مرتاضان و راهبان بریده از دنیا آب می‌خورد. واقعیت همیشه می‌تواند غلبه پیدا کند. آینده همیشه می‌تواند افتخارآمیز باشد، می‌تواند شادی و سرگرمی را به وسیله توهم یا سلبریتی‌هایی که نمونه ایده‌آل شده خود ما هستند، به ما عرضه نمایند و به ما اطمینان دهد که ما هم یک روز مثل آنها خواهیم شد.

فرهنگ فرو رفتن در توهم و خیال و همچنین فرهنگ سلبریتی که در اطراف آن رشد و نمو کرده است، دست به دست هم داده‌اند و پوچی وحشتناکی نصیب جامعه کرده‌اند؛ این‌گونه است که ما اکنون از یک فرهنگ تولیدی به یک فرهنگ مصرفی تبدیل شده‌ایم. در واقع ما خصلت مزخرف «صنعتی شدن» را به خود نیز تعمیم داده‌ایم، آن هم به بهانه پرورش روح، و اعتقاد داریم که زندگی فقط به خاطر پیشرفت و شادی ما است، آن هم از جیب و به خرج دیگران. شرکت‌ها، ورای چهره استتار شده‌شان، بی‌رحمانه

سیزده هزار فیلم پورنو هر سال در آمریکا تولید می‌شود. بر پایه گزارش «internet filter review»، عایدی جهانی پورنو، شامل اتاق‌های پخش فیلم در هتل‌ها، کلوپ‌های سکس و صنعت رو به گسترش سکس الکترونیک، نود و هفت میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ بوده است. این عایدی، با در آمد شرکت‌های پیشرو در امر فن‌آوری مثل «مایکروسافت»، «گوگل»، «آمازون»، «ای بی»، «یاهو»، «اپل»، «نت فلیکس» و «ارث لینک» برابری می‌کند. فروش سالانه صنعت پورنوگرافی در آمریکا حدود ده میلیارد دلار یا حتی بالاتر تخمین زده می‌شود.

شکست علم و پیروزی توهم

من در کتاب تازه‌ام، از کنار رینگ مسابقات کشتی حرفه‌ای در مدیسون اسکوایر گاردن گرفته تا لاس‌وگاس و صنعت فیلم‌های پورنواش، تا همایش‌های دانشگاهی که توسط روان‌شناسان تفکر مثبت که ادعایشان این است که مهندس شادی‌اند و دست آخر از دانشگاه‌ها برای وقایع نگاری و ثبت حرکت دهشتناکمان به عنوان یک فرهنگ به سمت وضعیت توهم و پوچی، مطلب نوشته‌ام. با دقت به مجموعه‌ای از فرایندها نگریم که هدفشان منحرف کردن ما از ویرانی‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی اطرافمان است. رؤیاهایی در سر پرورنده‌ام که

بسیاری از کاربران سایت‌های سکسی در اینترنت که به علت مجانی بودن بسیاری از محصولات، سود خود را از طریق فروش مجلات و دی‌وی‌دی در حال کاهش می‌بینند، افراد بین دوازده تا هفده ساله می‌باشند. تولیدکنندگان محصولات پورنو هم می‌دانند که سن مشتریان‌شان به طور فزاینده‌ای دارد پایین می‌آید.

استیو آنست، مدیر تولید «بلورد فیلمز» می‌گوید: «سن استفاده از سایت‌های پورنو در حال کاهش است، به ویژه در ایالات متحده و بریتانیا». وی می‌افزاید: «پورنو هم‌اکنون تبدیل به یک «راکند رول» جدید شده است. جوانان و زنان خواهان و خریدار صنعت پورنواند. پورنوگرافی نوجوانان، جوانان و سنین بالاتر را هدف گرفته است.

سیزده هزار فیلم پورنو هر سال در آمریکا تولید می‌شود. بر پایه گزارش «internet filter review» عایدی جهانی پورنو شامل اتاق‌های پخش فیلم در هتل‌ها، کلوب‌های سکس و صنعت رو به گسترش سکس الکترونیک، نود و هفت میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ بوده است. این عایدی، با درآمد شرکت‌های پیشرو در امر فناوری مثل «مایکروسافت»، «گوگل»، «آمازون»، «ای‌بی»، «یاهو»، «اپل»، «نت فلیکس»، و «ارث لینک» برابری می‌کند. فروش سالانه در آمریکا حدود ده میلیارد دلار یا حتی بالاتر تخمین زده می‌شود. هیچ ارگان یا نهادی در امر کنترل و مونیتورینگ صنعت پورنو وجود ندارد. به عنوان مثال، «جنرال موتورز»، صاحب «Direct tv» است که هر ماه چهل میلیون تصویر پورنو روانه خانه آمریکایی‌ها می‌کند. «Comcast c» و «At & T Broadband» «able» هم‌اکنون به خاطر وجود «شبکه داغ» (سکسی) سرویس‌های سرگرمی و سرویس «pay per veiw»^۳ مخصوص بزرگ‌سالان، بزرگ‌ترین شرکت خدمات‌دهی پورنو در آمریکا است. «At & T» و جنرال موتورز نزدیک به هشتاد درصد دلارهای صرف شده توسط کاربران و مصرف‌کنندگان صنعت پورنو را پارو می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها:

* برگرفته از سایت: www.alternet.org. به نقل از سایت سیاحت غرب، ش ۷۵.

۱. chris hedges برنده جایزه پولیتزر در رشته گزارشگری، استادیار در انستیتو ملی، ستون نویس دائمی. truthdig monday.

۲. سلبریتی: افراد مشهور.

۳. pay - per - veiw به معنی پرداخت پول بابت هر تماشا است که به اختصار به آنppv گفته می‌شود. در این سرویس، مخاطب تلویزیونی در ازای تماشای برنامه‌های ویژه باید پول پرداخت کند. این سیستم برای نخستین بار در انگلیس و آمریکا راه‌اندازی شد.

در حال نابودی بنیان‌های تولیدی ما و در حال ضعیف کردن طبقات محروم ما هستند. «بازار آزاد» مبدل به خداوندگار ما شده است و از طرفی هم دولت تبدیل به گروگان شرکت‌ها و بنگاه‌ها. همان شرکت‌ها با تصاویر خیالی و اوهام تولید شده توسط رسانه‌های جمعی، بنگاه‌های سرگرمی و فرهنگ عامه در حال فریب دادن و وسوسه ما هستند.

هر قدر ما از دنیای دانش، دنیای مکتوب (کتاب، روزنامه و...)، دنیای پیچیده و پر از ریزه‌کاری و دنیای تضارب آرا جدا می‌شویم و به سمت راحت‌طلبی، سرگرمی، شعار و خشونت می‌رویم، بیشتر در آستانه نابودی قرار می‌گیریم.

ما مثل خیل عظیم طرفداران کشتی کج یا کسانی که عشق را با سکس و پورنو اشتباه می‌گیرند، با دروغ تغذیه می‌شویم. اصلاً خود ما خواستار دروغ هستیم.

دروغ‌هایی از قبیل شعارها و تصاویری که ماهرانه دستکاری شده‌اند، همچون سیل بر سر امواج تلویزیونی خراب شده و حتی بر گفتمان‌های سیاسی نیز تأثیر می‌گذارند و بر حقیقت نقاب می‌زنند، ولی ما هیچ اعتراضی نمی‌کنیم.

پیش‌گویان تنهایی که همه حقیقت را در مورد جنگ‌های امپریالیستی نابخردانه، از بین رفتن اقتصاد جهانی و خطر قریب‌الوقوع آلودگی‌ها که در حال از بین بردن اکوسیستمی است که ضامن بقای بشر است، پیش‌گویی کردند، اکنون مانند گلابداتورها بر خاک افتاده و جمعیت از هر سو فریاد کشتن آنها را سر می‌دهد و مخاطبان تلویزیونی نیز دیگر حوصله آنها را ندارند. اینجاست که واقعیت کم‌کم نمایان می‌شود؛ واقعیتی که مردم درمانده دوست ندارند آن را بشنوند، اما این حقیقت است که در لابلای شایعات و موضوعات بی‌اهمیت اطراف افراد مشهور، خود را نمایان می‌کند.

فرهنگی که قادر نباشد تفاوت بین واقعیت و خیال را تشخیص دهد، محکوم به مرگ است. پس ما الآن در حال مرگیم، ما باید از وضعیت کودکی محتوم خویش بر خیزیم. وضعیتی که شایعات خاله‌زنکی و پوچ، به جای اخبار و اطلاعات به خورد ما داده می‌شود. وضعیتی که اهداف ما با یک شادی مبهم و غیر قابل دسترس سنجیده می‌شود. سرانجام یا با محدودیت‌های پیش روی خود مقابله خواهیم کرد یا همچنان به عقب‌نشینی و پناه بردن به خیال و سرگرمی ادامه خواهیم داد. کسانی که در زمان‌ها و دوره‌های پر از یأس و ناامیدی و آشوب زندگی و رشد کرده‌اند، به طور اجتناب‌ناپذیری برای سرگرمی و ایجاد حس اعتماد به نفس، به سمت افراد عوام، فریب و شارلاتان‌گریز پیدا خواهند کرد و همین مردم عوام‌فریب، همان‌طور که در طول تاریخ چنین بوده است، مردم کور و دلخوش را به سوی دیکتاتوری و خودکامگی رهنمون خواهند ساخت.